



سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران دوران اصلاحات از منظر انتقادی

مقاله «سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران دوران اصلاحات از منظر انتقادی» را امیر مسعود شهرام نیا و مرضیه چلمقانی نوشته‌اند و مجله علمی تخصصی پژوهش‌های سیاسی، سال اول، شماره دوم در دی ماه ۱۳۹۰ منتشر شده است.

هنر پدیده پیچیده‌ای است که دارای جنبه‌های مختلف است. با هر نوع نگرش به یکی از جنبه‌های هنر، نوع خاصی از مطالعه و روش‌های مطابق با آن به وجود می‌آید. یکی از این نگرش‌ها، نگرش جامعه‌شناختی به هنر است. جامعه‌شناسی هنر در جست‌وجوی تأثیرات اجتماعی بر هنر است. سیاست‌گذاری فرهنگی بر اراده دولت در ایجاد یا تحکیم یا تغییر مقررات و تنظیمات در عرصه فرهنگ معطوف است. براساس نوع ساخت سیاسی و میزان مداخله دولت در این عرصه دو نقش «تصدی‌گری» و «نظارت» برای دولت متصور است. براساس رویکرد انتقادی جامعه‌شناسی هنر، هنر زمانی قادر به انجام کارکرد اصلی خود یعنی کارویژه انتقادی است که وجهی مستقل به وجود بگیرد. بدین ترتیب با رویکرد انتقادی به هنر از خلال نگرش جامعه‌شناختی به مسئله سیاست‌گذاری فرهنگی، مقاله حاضر در پی بررسی نقش و تأثیر دولت بر مسئله فرهنگ و هنر در گفتمان اصلاح‌طلبی ایران پس از انقلاب اسلامی در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ است.